

از آب با تور کوچک که بجهت همین کار در آنجا گذاشته است
 بیرون می آورد و این اختراع را کرده اند بجهت اینکه ماهی
 همیشه تازه باشد
 درین چند سال آخر جزیری بولایت انگلیس بجهت قوت
 آورده اند که بسیار منفعت بزراعت کاران می کنند
 جزایر بحر محیط غیر از مرغابی حیوانی دیگر یافت نمی شود
 و چون که سالهای فراوان است که این مرغابیان را آنجا با
 درست کرده و بچه در آورده اند خاک آن جزایر کلاً زایل
 مرغابیت این خاک را از آنجا بکشتی گذاشته و بولایت
 انگلیس آورده اند و از آنکه زود دارد و بزین قوت بسیار
 زراعت کاران انگلیس از قرار حروری چهار تومان تا
 هفت تومان بخرند تا چند سال این تجارت بود بعد از آن
 در جزایری که دست رس بود تمام شده و آنقدر پیدای
 که بولایت انگلیس بیاورند و منفعت بکنند درین روزها نوشته
 که اهل کشتی انگلیس که بسبب بحر محیط معتدل بجهت شکار
 ماهی بزرگ رفته بود میان دریا جزیره پیدا کرد که تا بحال
 کسی با آنجا زرقه بود چون که این کشتی ماهی گیری بود و نوشته
 بود که زیل مرغابی آنجا را بار نماید در روزی دریا درجه عرض
 و طول آن جزیره را نسبت بکوه از من شخص کرده و نوشته
 بود که دوباره پیدا کردنش امکانی نداشته باشد و
 بولایت انگلیس را حجت کرد بختار که صاحبان کشتی بود
 اعلام کرد بختار کشتی دیگر روانه کردند و یکسایان جزیره رفت
 و قدری این زیل مرغابی بار کرده بولایت انگلیس آوردند و
 چهار تومان صفت کردند حال چند کشتی دیگر از بسکی دنیا
 انگلیس با آنجا فرستاده اند که زیل مرغابی از آنجا بار کرده

چون که سابقاً کشتی دیگر با آنجا زرقه بود و جای غیر محمود بود
 و اول کسی که با آنجا زرقه است انگلیس بوده که سید فی بروی
 جزیره مذکور گذاشته است که با این جزیره مال دولت انگلیس
 باشد اما غیر از آنکه از آنجا زیل مرغابی بیاورد و حاصلی دیگر
 ندارد
 در یکی از راههای آبن و لایت انگلیس کال کهای جزیره آنجا
 که پنبه بار داشت راه میرفت آتش از صخره آن کال ک
 میان پنبه افتاده و آتش گرفت و همه پنبه شعله ور گردید
 و قتی که بمنزل رسیدند بولایت بجهت پاشیدن آب که
 آتش را خاموش کند آوردند و آب پاشیدند آتش را
 خاموش کردند اما بسیاری از پنبه سوخته و تلف شد
 در یکی از روزهای آیتزهای تخت یونان نوشته بود
 که شخصی بولایت انگلیس یکی دنیا از مذنب پراشتند عیسوی و
 در آنجا موافق مذنب خودش رس میداد و مرعظه میکرد
 دولت یونان اول این شخص را گرفته در آنجا بچسباند
 و بعد از آن از آنجا بیرون کردن کردند از آنرا که میگفتند که
 اهل یونان که آنها نیز عیسوی اند از مذنب دیگر سحرهای این
 کشتی از مذنب خود بیرون می روند و داخل مذنب می
 میشوند درین خصوص دو روزنامه نوشته اند که بیرون کردن
 این شخص ناحق بود چون که بسیاری از مذنب کتولیک هستند
 و ایم الاوقات کارشان این است که مردم را داخل مذنب
 خودشان که کتولیک است بکنند و کسی تعرض احوال
 آنها نمی شود و در نسبت که در خصوص بیرون کردن این شخص
 گفتگویی مابین دولت ترکی دنیا و شمالی باد دولت یونان میشود

۴۰۵

بجهد عباس شاه که ان مملکت مصر مرکز و ج چهل سپهر
 در ولایت انگلیس ساخته اند که بلندی آن سه ذرع است
 و بسیار بطرح خوب و تمناز ساخته اند و قتی که مبر آورند
 پاشای مزبور بسیار پسندید و از آنجا بدین طبعه فرستاد
 که در روضه منسیر که جناب خاتم انبیا صلی الله علیه و آله
 نامید

کشتی بسنگ خور و سنگت باز آنها که در میانش نشسته بود
 نظام خود را بر جسم نرودند اول زن و بچه سبزه و صاحبان
 که در آنجا بودند در میان زورق گذاشته سلامت برودن
 فرستادند بعد از آن آنچه توانستند از دیگران در میان زورقها
 گذاشتند اما بعضی زورقها شکست و وارونه شدند خود نیز
 آن کشتی تا آخر کشتی خودش برودن میباید و خودش و
 آدمهایش دیگر از سلامت روانه کردند و خودشان
 در آنجا ماندند تا مسرا کشتی غرق شدند کشتی مزبور را
 از چوون ساخته بودند و این قسم کشتیها بعد از آنکه
 بسنگ یا یک سجز در دسته نشود زودتر از کشتی
 چوبی فرود میرود و غرق میشود

اعلانات

در بعضی شهرهای فرنگستان نمونه نباتات گل روی زمین
 که پیشان می افتد در عمارتی معین نگاه میدارند در شهر سیستان
 منته این قسم نباتات میفرود شدند و چهل جلد کتاب
 که در میان او راق کتاب این نباتات را خشک کرده و
 نگاه داشته اند در هر کتاب صد قسم با صد و بیست
 گیاه است و هر جلدی قیمت علاحده دارد اما همه را بهفت هزار
 تومان میخوانند بفرود شدند و این نباتات را هم بجهت طب
 و سبب افان و اشخاص دیگر که بکارشان بخورد نگاه میدارند
 و هم بجهت کشف علم نباتات

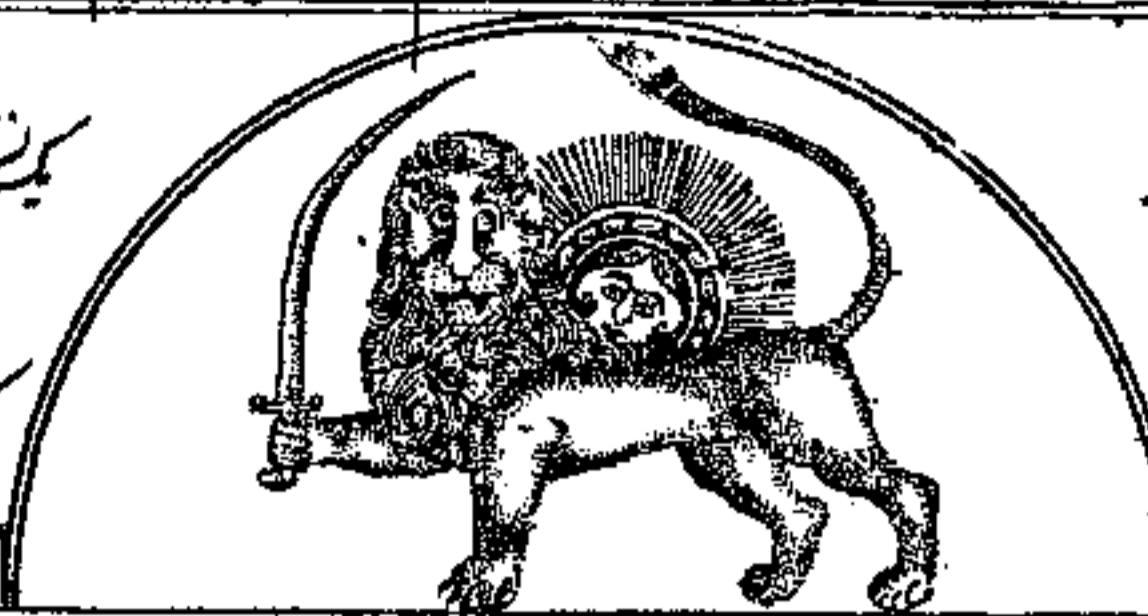
بعضی از اشخاص که ازین روز نامه دارند سفر میکنند
 یا ماموری شوند یا منزل عوض مینمایند چون بیابان
 روز نامه اعلان می کنند روز نامه با آنها درست نمیرسد
 و سبب کلا سندی آنها از بیابان روز نامه می شود
 لهذا بیابان روز نامه اعلان می کنند که هر کس
 که روز نامه دارد اگر بجای سفر کند یا منزل عوض نماید
 یا مامور ولایتی بشود میباید بیابان روز نامه اعلان
 نماید و بنویسد تا در هر کجا که باشد روز نامه بدون
 بسد

قیمت کتابهای چاپی که در کارخانه حاجی عبدالعزیز چاپ شده در روز
 کتاب شانامه چهار تومان و نیم
 کتاب کسکول هفت هزار دینار
 کتاب کلیات شش هزار دینار

در روزنامهها که درین وقت بیابان روز نامه رسیدند
 که پاشای مصر غیر از سر بازی که بر آه این فرستاده است
 که آن راه را بسیار بدست هزار قطعه نیز در آنجا بر آه انداخته است
 درین روز کشتی سنجار که اندولایت انگلیس قشون میبانش کرد
 و بملکت سنس میفرستد به بودند قتی که نزدیک آندولایت
 رسید روزنامهها بسنگ نیز از آن خورده و سنگت و در
 فاضله بیت دقیقه فرود رفت ششصد و سی و شت نفر در آن
 کشتی بودند از اینها صد و شتاد و شت نفر سلامت برودن
 آه اند و چهار صد و پنجاه نفر در آنجا غرق شده اند بعد از آن

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز پنجشنبه بیستم و یکم ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۰۶

وقت روزنامه
یکشنبه شب بیست و یکم
وقت اعانات
یکشنبه چهارشنبه
بیت شمس



نزهت افشاوی
هرگز در طران طلب
ازین روزنامه
بازار جدید دروگاه
پوزیشن فرزندت

اجتباب از داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه چهاردهم این ماه بزرگسالیون اعلیحضرت پادشاهی بجهت تفریح و تماشای شیران تشریف فرما شدند و چون قریه در نزد شیران جای خوشتر است و با زینت و صفا و متعلق بمقرب انخافان کشیکچی باشی آسب الاستدعای مقرب انخافان مشارالیه بکب تایون با امنای دولت علیه و چاکران دربار سینه بضیافت تشریف بردند و انواع تکلف از اطعمه و اشربه و لوازم تکمیل کداری و دو و تقوای بعل آمده مطبوع خاطر اعلیحضرت پادشاهی و مقرب انخافان مشارالیه مورد نوازشات لایتناهی گردید و شب آن روز را که پانزدهم شعبان و از لیالی تبرک است اعلیحضرت پادشاهی در قصر قاجار توقف فرمودند و بقانون معمول ایران اسباب تشن باری در حضور مبارک تشن دادند و جایگاه باقرخان سردمگ تورخانه مبارک که از قدیمی خدمتگذاران این دولت عید دور برفن علم تورخانه سرآمد امثال و اقربان خود است در ساختن اسباب تشن بازی

اتمام نموده و موجب ساختن بود بطوری که پسند خاطر بایون گردیده آن شب را در قصر قاجار توقف فرمودند و فردا نیز تا عصر تفریح و تماشای آن اطراف مشغول بودند و نزدیک بغروب آفتاب از انجام راحت فرموده بهمارت ارک سیلطان تشریف آوردند

پنجم در روز پنجشنبه منور اعلیحضرت پادشاهی محض ظهور مرحمت ملوکانه در باره نواب محسن میرزا یک نوب جبهه ترمه لاک برسم خلعت با فخار نواب معزی الیه مرحمت و عنایت فرمودند

چون سواره اوقات منظور نظر اولیای دولت قاهره این است که هر یک از حکام و سب اشرفین ولایات محروسه ایران که در خدمات دیوان بجزئی و درستی از عهده برآیند که رسم سنال دیوان بدون عیب و نقص بحیطه وصول رسد و رسم رعیت مورد رعایت گردد و او را مورد اعطاف حضرت پادشاه سازند و بر عزت و احترامش بنیزانند بنابراین نواب اشرفین عهدی بعلی میرزا حاکم سابق مازندران که این روزها با دیوانیان عظام حساب سه ساله خود را پرداخت بطریق که مورد تحسین

۴۰۷

هرستوفیان و امنای دیوان قضایان گردیده مورد
اشفاق سیرکار احمد شهبازی شدند برای استحضار
همه حکام و سبائین ولایات محروست اینتراب مسطور آید
که هر کس از عمده خدمت دیوان خوب بر آید و در محاسبات
مذاشته با پاداش اعطاف و اشفاق خستروانی خواهد
و هر کس اغفال نماید مستوجب سزا و مواخذة خواهد
بود
در روزنامه های سابق در باب ساخته شدن کارخانه بلور
در درامخلاف طهران نوشته شده بود که روز بروز ترقی و
تقو است در عمل آن حاصل میشود درین هفت از اسباب
بلور کارخانه مزبور را قبیل لاله و مردنگی و تنگ و غلبان
و غیره ساخته بودند عالیجاه حاجی میرزا جبار ناظم الهام
مجنور اعلیحضرت پادشاهی برده و بنظر امنای دولت
علیه رسانند تمام اسبابها منتهای صفا و استیانت
از کارهای پیش داشت امنای دولت علیه و همه حضار
مجلس از اعیان و اشراف تصدیق کردند که لاله و مردنگی
و غلبان این کارخانه بسیار ترقی کرده است اگر ازین
اسبابها و فورجه هم برساند دیگر احتیاج با آوردن
از ولایت خارج نخواهد شد حسب الامر اولیای دولت علیه
مقرر شده است که کارخانه جدید و کورهای متعدده و همه بلور
ساخته شود و امید است که بعد از اتمام کارخانه مزبور این
قبیل اسباب خوب بسیار ساخته شود و روز بروز
عمل بلورسازی درین ولایت ترقی نماید و بدرجه کمال برسد
که از هر قسم اسباب بلور از تراشش و قالبی نیز ساخته شود
و چون ازین اسباب بلور که بحضور پادشاهی برده بودند

۴۰۸

نظر اقدس اعلیحضرت شاهنشاهی پسندیده و مستحسن افتاد
در باب راه انداختن اسباب قالبی و تراشش نیز
فرمایش نمودند که بروی هر آنچه با احتیاج و لوازم کارخانه
بلورسازی است انجام پذیرد و در دست نمایند
درین اوقات مشدی حسنی نام صندوق ساز
تبریزی یکروز چند صدق آهنی خزان ساخته بود که بوزن
دو خروار میشد و کشادن و بستن آن محتاج بهارست
و تعلیم است صنایع غریب در آن نموده است که جمیع
کسانی که از شکار و اهل خیره هستند بجز در کارخانه
در فرنگستان در جامای دیگر مانند این صندوقها
ساخته شده است که بسیار فروخته اند و استیانت
در آن بکار برده است و آنها را بتوسط عالیجاه مقرب
مهدیخان صاحب جمع و جوته خارج از نظر پادشاهی اعلیحضرت
پادشاهی گذرانده بسیار مطبوع و مستحسن افتاد و از
سرکار پادشاهی سیصد تومان نقد و یکطاقه شال ترمه
برسم انعام و خلعت در حق او مرحمت و عنایت گردید
و تفصیل بعضی صنایع غریبه نیز با و فرمایش شده که
در تبریز بروی انجام داده بیاید و چون بسیار صنعت
غریب نموده بود و تا حال در ایران ساخته نشده بود
لازم آمد که در روزنامه نوشته شود که باعث تشویق صنعت
کاران در رونق این صنعت بسیار صنایع غریبه باشد
که روز بروز بسیار زیاد
امور است قشونی
و غناب
فوج مخبران شقایق که از آذربایجان احضار در کابل نصرت
مجاویز شده بودند و بپشتی عالیجاه قاسم خان

سرتیب بدر بارها یون حاضر شدند در روز یکشنبه
هفدهم این ماه سان فرج مزبور دیده شده هزار
دویست نفر حاضری آنها شد و بجهت ساخلوی خان
عوض افواج مقرب اسخاقان فضل الله خان میر خجسته
شدند

فرج هفتم هشتم افشار ابا جمعی عالیجا عسکر خان
سرتیب در روز سه شنبه از آذربایجان حاضر گردید
شدند و در میدان ارک در آن روز حاضر شدند
فی الحقیقه جمیع افواجی که از آذربایجان مقرب اسخاقان
وزیر نظام روانه کرده اند کلاً با تدارک و نظم بجهت
سبارک مشرف شده و در آن روز بظرا علیحضرت
پادشاهی رسیدند و کمال رحمت در باره آنها
مبذول فرمودند و هر یک از افواج که حاضر گردیدند
انعام بآنها مرحمت شد و جناب جلالت تاج
صدر اعظم اول این افواج را دیده و اظهار محبت و جود
سپار سرتیب و سایر صاحب منصبان آنها نمودند
و بعد هم در خاکبای اقدس هایون میان افواج آمدند

سواره خم ابا جمعی عالیجا میرزا ابراهیم خان
که احضار رکاب شده بودند در روز دو شنبه حاضر
شدند و در روز سه شنبه که علیحضرت پادشاهی
بجهت تیراندازی توپ شریف فرمای خارج دروازه
دولت شده بودند سواره مزبور بمرها یون رسیده
و کمال رحمت در باره آنها فرمودند فی الحقیقه بجهت
سواران آریسته برکاب حضرت انشاب آورده که چنین

سواری باین خوبی و پاکبندی دیده نشد چنانچه
و با تدارک بودند و ما مورسا خلوی خراسان
اعلیحضرت هایون پادشاهی بجهت تیراندازی توپ
سجارج دروازه دولت شریف فرما شدند و جناب
جلالت تاج صدر اعظم نیز ملتمس رکاب هایون بودند
تیراندازی فرمودند و توپچیان در زدن نشانه خوبند
و انعام بآنها مرحمت شد و متعین بد رسد دار الفنون
نیز که اندک زمانی است در نزد عالیجا بموسسگر کشیش
معلم علم توپخانه اشتغال دارند تیراندازی کردند و چند
تیر هم نشان زدند و انعام علیهم بسم بآنها مرحمت شد

سربازان فرج خرقان را که احضار برکاب فرموده بودند
بجهت مأموریت و ساخلوی یزد در روز سه شنبه سان
دیده شد سبب و هتقاد و زلفر حاضری آنها بود این روز
موجب آنها داده خواهد شد که بجل مأموریت رفته و فرج بندی
عوض آنها را محبت نمایند

فرج شازهم شفاقی که بسرنکی عالیجا حضرت الدغان
دارد رکاب هایون شده بودند در روز چهارشنبه
سان آنها دیده شده و حسب الامر بجهت ساخلوی خراسان
مأموریت باشند

سایر ولایات
آذربایجان از فرار که در روزنامه آذربایجان نوشته بودند
عالیجا قنبر علیجان که در دیوانخانه تبریز مأمور رسیدگی میکرد بعد از رسیدن
مجدد از انمای دولت علیه هر روز در دیوانخانه در شب کار تمام میزدند

۴۰۹

گزاشان

از قرار یک روزنامه شاهزاده امعلی میرزا حکمران گزاشان در علی نوشتجات خود نوشته بودند سابقا قرار حکام آنجا بر این بوده است که اگر در منازل عرض راه گزاشان دزدی و سرقتی اتفاق می افتاد غرامت اموال سرور با مالی جون و خوش آن منزل طرح میکردند که خود آنها از غرامت مال رزیده برآیند و این سبب اگر فرضا از پنجاه تومان هر وقت میشد یکصد تومان برده اند و صد تومان را از رعیت می گرفتند و این رکبذ نفع خسار و ضرری رعیت وارد می شد این اوقات نواب معینی برای رفاه رعیت و رفع اینگونه خسارت از آنها انتظام طرق و سوانح چنان قرار داده اند که همیشه پنجاه نفر سوار مسئول حفظ و حرمت هر یک از منازل باشند و نگذارند

با اجماع مردم از وحشتی که بجهت نیامدن باران داشتند

اسم در روزنامه خراسان نوشته بودند که ضعیف در یکی از محلات ارض اقدس شهد مقدس وضع مجلس شده یک پسر و یک دختر از او متولد شده که هر دو از نامتاسینه بهم پییده بوده اند و آنکه دختر بود در همان وقت وضع حمل فوت شده و آنکه پسر بوده ساعتی بعد از تولد زنده بوده و بعد فوت شده است

از قرار یک روزنامه شهابور نوشته بودند در مزرعه انجیرین که بلانی با فرمانی در وقت آمدن باران بیلابی نام رفت بود از قضایای اتفاقیه برق بر سر او زده و فی الفور او را بهلاکت رسانده و بعد از آن شب بام را شکافته و یک نفر از هم در طاق ملاک نموده و بزین فرود افتاد

کیلان

از قرار یک روزنامه رشت نوشته شده بود عالیجناب مرتضی قلیخان سکر کرده نوکر از ترقی و فرج الله خان پسر مرحوم بالاخان مسواره اوقات خود را مصروفت اشغال خدمات محوله بخود داشته و در وقت از خدمات دیوانی عیلت نه ازند و امور آنجا با تمام مشارالیه در کمال

الضبط است استرآباد

از قرار یک روزنامه استرآباد نوشته بودند در قریه جرمکه در کنار دریا واقع است باد شدید آمده و اغلب خانهای آنجا خراب کرده و چنان باد سختی بوده است که تا بحال اینطور باد کمتر در آنجا مشاهده شده بوده است بلکه همین بادی تا بحال ندیده بوده است

تاریخ ۱۳۸۱ (۱۱ شهریور ۱۳۸۱) ۱۳۸۱

۸

اخبار دول خارج

احوال است مفرقه

انگلیس تاریخ روزنامه آخر که ازین ولایت رسید
 چهارم جمادی الآخر بوده نوشته بودند که حاکم شهر
 که لاره نادر می نامند حسب القاعده که دارد در فصل
 دهانی عظیم سکین کرده بود و لاره در پی ویران
 پادشاه انگلیس و بعضی وزرای دیگر در آن دهانی بودند
 و اینچنان دولت سنیکی دنیای شمالی و مملکت سوئد
 و مملکت عثمانیه را تسد و بسیاری از خواص انگلیس
 اعیان لندن در آنجا بودند و همه را سید و چاه
 نفر در آن دهانی تعداد کرده بودند و در خصوص امور
 خودشان لاره در پی باین سوال گفت کرده بود که
 چون پادشاه حکم کرده است که وکلای از هر شهر
 قضبه انگلیس معین شوند و قسیمی که آنها حسب احکم در سوئد
 نشند معلوم می شود که انظر مملکت رانی که ما می کنیم
 موافق رای خلق و صلاح و لایت است بانه و ما هم کمال
 کوشش و سعی را خواهیم کرد که این مثل عمده را که پادشاه
 با محول کرده است بطور خوبه بریم

در شهر پاریس شخصی میخواست بکشتی هوایی که بلون
 سوار شود و او فاشس این بود که چیزی اختراع کرده است
 که جلوکشتی در اختیار آنها که در او نشسته اند باشد
 در وقت پر کردن بلون از بخار باور زیاد شده بود
 و اسبابی که عنان کشتی بود نتوانسته بودند بکشتی بنشینند
 بلون حرکت زیاد کرد و آن ریسمانها که مانند دام می گیری
 بجه نگاه داشتن بلون بسبب اندقدری پاره شده بود
 و بدینکه بستن این اسباب که جلوکشتی در آن است
 ممکن نیست چهار نفر در بلون نشسته و موافق سابق بالا
 رفتند خلق خیال کردند که اینها با ایشان فریب میدهند
 میخواستند اسباب عنان کشتی بزور و سایر چیزها را
 که در آنجا بود بشکنند اما کسپیمان که آنجا بودند نگذاشتند

فرانس

پرنس لوئی ناپلیان رئیس این مملکت بنا دارد بعضی از
 اقوام خود پول بدهد که او ضاعی که موافق شان آنها باشد
 داشته باشند از جمله چهار صد هزار تومان پول ایران
 پادشاه ردوم و دولت هزار تومان پرنس مورت
 و صد هزار تومان پرنس که در آتیمید بود و چون که این تنخواه
 همه بیکبار بآنها میدهند تا ایامی که این تنخواه با آنها داد شود
 انتفاعش را نیز بآنها خواهند داد

شخصی درینکی دنیای شمالی تفکی بطرح تازه اختراع کرده است
 اگرچه اکثر این تفکها که اختراع میکنند بکار منجوردد لکن چونکه
 راه امتحان و باعث ترقی صنعت کارانت در روزنامه
 نوشتن نبرات تفنگ را بطوری ساخت است که میت و پنج
 کلاوازان می اندازند بدون اینکه دوباره پرنماند میت و پنج
 کلاوا با بار و ط هر کلاوا ترکیب کلاوا در وقتند اق تفنگ است
 یک کلاوا که انداخته شد یکی دیگر با بار و ط و چاشنی بجای
 او قرار میگردد و شخصی که این را اختراع کرده است در یک
 دقیقه بیست و پنج تیر انداخته است و در پنج دقیقه صد میت و پنج
 تیر خوب می اندازد بعضی از صاحب مضبان سنیکی دنیا این تفنگ را
 دیدند و بنا دارند که امتحان بکنند که آیا بمصرف قشون می آید یا نه

در یکی از راههای آن که بجهت زود کالک بخار در ولایت
انگلیس ساخته اند یک چرخ بخار که سایر کالسکها باوسته
میشود و یک نزد یک بشه بارک رو بروی منزل نگاهداشته
بودند و شخصی که کارش را ندن این چرخ بخار بود قدری چرخ
حرکت داد که بر راه دیگر رسیدند از دو بعد از آن خود شش
آمد درین بین بخار زور آورد و این چرخ بخار بدون اینکه
کسی در رویش ایستاده باشد روان شد یک ربع
فرسخ که رفت عرابهای دیگر در راه بودند که سبک و در
آنجا ایستاده بودند دیدند که این چرخ بخار مانند تیری
که از گمان بجهت آن سرعت می آید خودشان را از راه بکنار
انداختند اما عرابها در راه ماند و نتوانستند بکنار بکشند
و این چرخ بخار بعرابهای دیگر خورده و همه را شکست و
خور و گردانید و بقدر ده هزار تومان ضرر بجا جان چرخها

بخار رسید

بعضی از اهل فرانسه که داخل شورتخانه بودند و بعد از آن
که ریخته و اخراج بلده اند درین روز نام اجبت
کرده اند ازین فرار به بعضی نسبت بدیوان خودشان
بودند و اذن از لوی ناپلیان بخواهند که مراجعت نمایند
و بعضی از شویش آنکه اگر در آنجا باشند شاید با آنها بگذرد
که ریخته و بملکت بلژو ولایت انگلیس فرستاد
در باب گفتگوی این دولت فرانسه و دولت سوئیس
در خصوص فرار به از اهل فرانسه که در مملکت سوئیس
نشسته اند دولت سوئیس آنچه از دستشان بر آید است
سعی و کوشش کرده اند که فراریهای فرانسه را که در آنجا
هستند با آرمی نگاه بدارند که افشاده و اعطاشی نسبت بولایت

۴۱۲

خودشان نکنند و چجاه نفر از مقتدین مزبور را اخراج
بله کرده اند از اینها پست نفر از اهل فرانسه و سی نفر از اهل
فرانسه بودند و باز هم از آنها که تقصیرشان ثابت میشد
بنیاد استند که از خاک سوشس بیرون نمایند اما در
ولایت سوئیس قاعده دارند که هر کس که با آنجا پناه بیاورد
او را نگاهداری می کنند و در سر این قاعده خودشان
استاد کی سخت کرده اند و در گفتگویی که ما بین دولتین
به دولت فرانسه اعلام کرده اند که دولت فرانسه حق
انرا ندارد که بقاعده و قانون داخل مملکت سوئیس و داخل
نماید درین گفتگو دولت فرانسه و دولت استریه
هر دو متفق القول اند زیرا که ازین برود و مملکت فراری در

مملکت سوئیس است

در یکی از روزهای فرانسه که در جزیره العربی چاپ
نیز شده و اسم او اجبار است باین طریق نوشته اند
که عرابهای سر قد ماکس که مرگو نیز نمینامند از سر قد فرانسه
گذشته بودند و ناخست و غارت در آنجا کرده بودند
چند نفر از رعابای آنجا را کشته و کله گاو و کوسفند آنها را
غارت کرده و برده بودند جهت آنجا در زیر حکم یک صاحب
فرانسه جمع شده و با عراب مزبور جنگ کرده و در
حمله آنها را نموده بودند بعد از تحسین معلوم شد که این
عرابها اگر چه ساکن مملکت سلطان عبدالرحمن بودند اما
اطاعت با و هم نمیکردند و خط طایفه مزبور و خطی سلطان
عبدالرحمن نداشت حال گفتگویی ما بین دولت فرانسه
و سلطان عبدالرحمن است که در آن ولایت نظم است
بگذارند

در مملکت استراليا نوشته اند که از یک مردم از هر طرف
آن مملکت با آنجا که تازه طلا پیدا شده است رفته اند که
طلا پرون بسیار دارند از برای در وقت حسیب کردن حاصل
کم مانده بودند اما چونکه از ولایات خارج باز مردم داخل
آن ولایت شده اند طوری کرده اند که حاصل ضایع
نشود و حاصلشان خوب آمده است چونکه این ولایت
در سمت جنوب خط استوا واقع است اول میزان
که اول پاییز باشد در آنجا اول بهار است و وقت
در روشن در اول جدی است که اول زمستان این
ولایت و اول تابستان آنهاست
در خصوص پرون فرستادن مقصرین دولت فرانسه
در یکی از روزنامه های آن ولایت نوشته اند که پرون
فرستادن مقصرین نیز بوزنم صلاح دولت است
و هم صلاح مقصرین زیرا که اخراجات دولت در پرون
کردن آنها کمتر میشود و مقصرین نیز وقتی که در فرانسه محبوس
باشند مشغول فعلی میشوند اما باز آنقدر که فعلی می کنند
اخراجات خودشان را در نمی آورند و دولت پول زیاد
در سر آنها خرج میکند و در هر دولت تنبیه مقصرین از
راه این است که تنبیه شده و از اعمال بد دست بکشند
تا می بینند که اینها را که در ولایت فرانسه محبوس میکنند
بعد از آنکه مدت جنتشان تمام شده و از محبس خلاص
شده اند اول بدتر می شوند و باز مشغول سرقت و اعمال
بد می گردند و بسیار کم اتفاق می افتد که کسی که تعصیب
کرده و تا مدت محبوس شده است ازین تنبیه فایده چندان
او کرده و از عمل بد دست کشیده باشد

یک صاحب منصب فرانسه قوطی که در میان آن پول
داشته و در اطلاقش بوده دیده است که هر روز پول
از قوطی او کم میشود طپا پنجه بر کرده و بطوری در میان قوطی
که داشته بود که هر کس که آن قوطی را باز نماید طپا پنجه رو با
خالی بشود و زدیگر صدای طپا پنجه بلند شد مردم بان
اطلاق رفتند و دیدند که نوکر همان صاحب منصب بین
قوطی که باز کرده بوده بزین افتاده است و طپا پنجه خا
شده و یکدانه از آن پولها در دستش است بعد معلوم شد
که طپا پنجه باو نخورده و خمش هم نگرفته است اما از سرش
خالی شدن طپا پنجه فهمید که قوطی باز شده بود بزین
افتاده و خمش کرده بود گرفت و محبوس نمودند

در روزنامه وینسم پای تخت استرلیه نوشته اند که
وقت پیش این در روزنامه انگلیس کلمه کرده اند که نسبت
سپاهان انگلیس در آن ولایت بد رفتاری نموده و آنها را
ازیت کرده اند این حرفها بی اصل است و نسبت بیاح
و اهل انگلیس که در آن ولایت تردد دارند یا تو قلم بنمایند
با سایر اهل دول خارج که در آن ولایت بودند هیچ حرف
نداشتند

ایشان در همین روزنامه نوشته اند که در ایام توقف شاهان
سپهانی علیحضرت امپراطور روس در وینسم پای تخت
استرلیه علیحضرت امپراطور استرلیه قشون را پرون
آورده اند که شاهزادگان مزبور تا شانامیند چهارم
فوج سوار نظام و بیت و پنج فوج سرباز و چهل عراد و پنج
در میدان مشق بودند و همه بار استیکه تمام حرکت میکردند

۴۱۳

ایضا در همان روزنامه نوشته اند که دولت استرلیه در روز
گروه فلان که تخمیناً دو کرو و دو و سیست هزار تومان پول
ایران بسیار حاضر کرده اند که گشتیهای جنگی تازه
بیاورد و اسم یکی از این گشتیها را بر مثل روتسکه میگذارد

و نوشته اند که در اراضی خالیه فرنگستان ازین کوزه و زمینها
کافی بسیار باقی مانده از جمله در دو سال قبل ازین نیز بقدر
سیصد هزار تومان پول طلا و نقره قدیم در یکی از اراضی آنجا
از زیر خاک پیدا کرده بودند

از شهر دارش نوشته اند که بعد از تمام کردن راه آهن
مابین شهر استرالیه و پرتزبورغ و دارش بنیاد اند که
شهر او در شش تا شصت کیلومتر راه آهن بسازند و امید دارند
در اندک عرصت این راهها همه بهمیکر متصل بشوند

ایضا در همان روزنامه ها نوشته اند که شخصی در پاریس
پای تخت فرانسه این اوقات وفات یافته و وصیت
نامه نوشته است که هزار و شصت کیلومتر پول کبابی
که از چهار ده سال قبل از وفات او تا ایام وفاتش
در عمارت او بکار یافته بوده اند تقسیم شود و ازین

در روزنامه جریده اسخوادشاسلابول نوشته اند
شخصی از زراعت کاران در بیرون شهر استرالیه بجهت باغ
و دارش حندق حفری نموده است ناگاه خاک حرکت کرد
و این شخص را بمیان چاه انداخته است اول تلویش

عجیب تر در دولت روس نوشته اند که ضعیفی هزار
کیلومتر پول داشته است گاهی بتماشای خانه که می آمده است
مقلدی سحرهای مضحک او را می خندانند است ضعیف تر
جمع این سخنان را بان مقلد و اگر کرده است

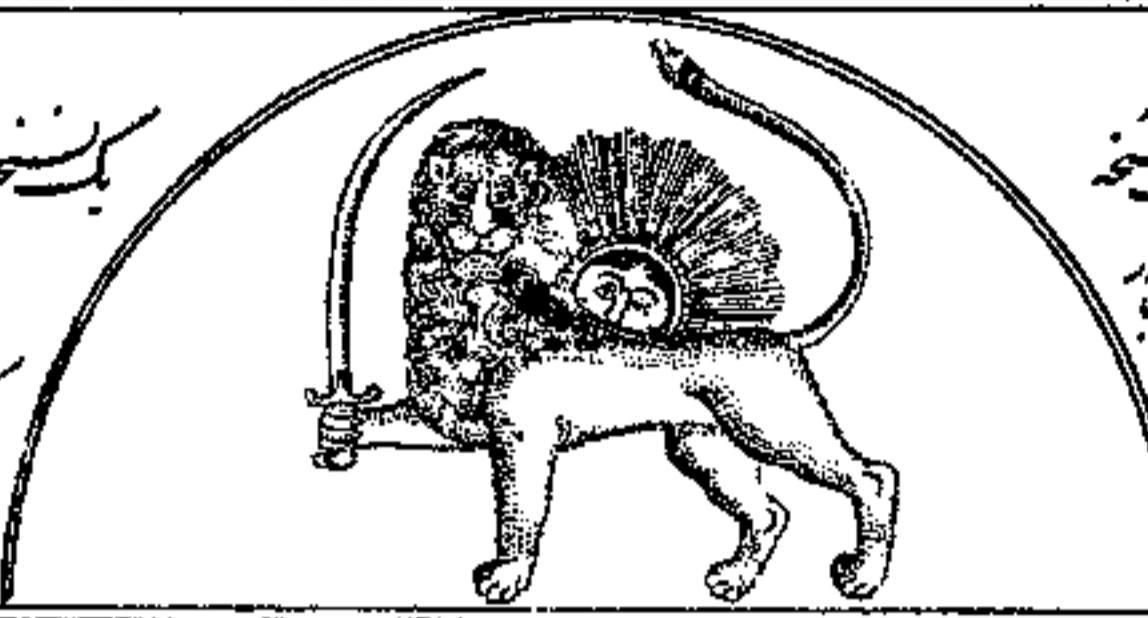
اعلانات

بلاکت داشته است و لکن چون آب چاه مزبور کم بوده است
عزق شده و درین بین که بکار چاه دست می انداخته است
که خود را از عزق شدن محفوظ بدارد دست طرفی بست
آمده و صدای این شخص را اشخاصی دیگر که از نزدیکی آن
چاه میگذشته اند از میان چاه شنیده اند و آمده اند از آن
چاه در آورده اند بعد از آنکه در ظرف را کثوره دیده است
که پر از طلای سکه قدیم است زو بانی تحصیل کرده و بچاه
مرغور فرود برده و دوباره با سچاه رفته است چند ظرف دیگر
در آنجا پیدا کرده است که بعضی نقره و بعضی طلا است که قدیم
در آنجا پر بوده است همه را تصرف کرده و پیش ازین امر کتاب کشکول
معاش این شخص از دعوت کاری و عبرت میکند نوشته است کتاب قاموس
و حالا که این پولها را پیدا کرده است از جمله اغنیای اولاد است کتاب تعبیر نامه

کتابهای چاپی که در کارخانه حاجی عبدالصمد پارسه در محله
نزدیکی دروازه دولاب و ده شده از این قرار فرود خست میشود
کتاب شاهنامه چهار تومان و نیم
کتاب معراج السعاده دوازده هزار
کتاب خورشید نظام نه هزار
کتاب جویهر شش هزار
کتاب سیالک شش تومان
کتاب مدارک سه تومان
کتاب کشکول هفت هزار
کتاب قاموس دو تومان
کتاب تعبیر نامه پنجم هزار

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روچشمیه ششم شعبان المعظم سنه ۱۲۸۴

قیمت روزنامه
یک نسخه شش ماهه
قیمت اعلام است
یک سطر تا چهار سطر
بستر باشد هر سطر



نمونه معشوقه و حیم
هر کس در طهران طلب نسخه
دین روزنامه باشد در بازار
صدید در دو کانسید
بدر خوش فرزند

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

سایرین بیاید مسکی در رکاب حضرت انتساب جانم
باشند و چون ایام ماه مبارک رمضان در پیش است
بجهت رفاه و آسودگی چاکران در بار سمایون که در آن
عبادت داشته باشند بمقرر فرمودند که روزها وقت عصر
سلام نشینند و چاکران در بار سمایون شرفیاب
حضور مقرر شد و آنی کردند قصبه نیاوران
مکان و بسبب عمارات که بطرح تازه بنجه علیحضرت
پادشاهی در آنجا ساخته شده است نهایت
نایش و خرمی و صفارا دارد و میتوان گفت که عمارت
وقصری ملوکانه و قابل نشین علیحضرت پادشاهی است
اگر چه سنوز قدری ناتمامی در بعضی کارهای بنیانی
و غیره دارد و امشای دولت علیه در تمام آن
است تمام نموده اند که حسب المقرر بانجام رسد لکن تا
همین قدر که ساخته شده است بسیار بهتر از سابق است
و وقتی که سایر نامیههای آنجا را تمام نمایند
نیاوران بهتر و معمور تر از کل دانات شمیران خواهد
کردید

چون درین اوقات اوایل تابستان و موسم خوب
هوای شیرین است و از اینکه هوای دارالخلافه
طهران درین اوقات نسبت به هوای شیرینات
اندکی گرم میشود و اغلب سالها که موکب فیروزیه
کوکب بفر تشریف برده باشند درین فصل
تشریف فرامی شوند لهذا در روز یکشنبه پنجم
این ماه موکب سمایون علیحضرت پادشاهی
با آراستگی نظام پیاده و سواره و توپچی و زنبورچی
و سایر خدم چشم و انشای دولت علیه و چاکران
در بار سینه بقانون اوضاع و شکوهی که معمول این
دولت قوی مکتب است بمارت مبارک که بناوران
که حسب الاشارة العلیه بطرح تازه و خوب ساخته
و بجب آب و هوا و صفای اشجار و انهار از سایر دانات
شمیران است بسیار گلی دارد و تشریف فرما شدند و معتز
فرمودند که حسب مقرر فیروزیه که بسبب باریت
و انجام خدمت در دارالخلافه طهران توقف دارند

۴۱۵

از آنجا که منظور اعلیحضرت پادشاهی مسواریه است	که سعی در کاشتن و خوب لعل آوردن آن دارند
این است که کارهایی که پیشی بر آبادی ولایت و	تقسیم نموده اند
نفع رعیت است روز بروز درین دولت علیه بیشتر و	قیمت اجناس و اخلای طهران
مداول بند از جمله درین فصل بهار مقرر فرمودند	کندم ساو جلا بکخوار دو تومان و سه هزار و سیصد
که تخم پنجه سیکی دینار که در آردومی کاشته و لعل	بکخوار دو تومان و دو هزار و سیصد
بودند از آنجا آورده و در میان صاحبان املاک اطراف	بکخوار دو تومان و سه هزار و سیصد
و اخلای طهران تقسیم نمودند که بکارند و لعل بیادند	چهارمین سه هزار و چهارصد
و تفصیل کاشتن پنجه مزبور در روزنامه های سابق	چهارمین دو هزار و نهصد
شده است و لکن از برای اینکه معلوم بشود که در کجا خوب	چهارمین دو هزار و نهصد
لعل می آید مناسبترین روزنامه خواش میکنند که هر	چهارمین دو هزار و نهصد
که تخم پنجه مزبور داده شده است کاغذی بمباشند	چهارمین یک تومان و ده
روزنامه بنویسد که در کجا کاشته است و چگونه لعل آید	یکمین یک هزار و دویست
تا معلوم شود که در چه قسم زمین بهتر و خوبتر لعل می آید درین	یکم قطع و ده شاهی
روزنامه کاغذی از آذربایجان رسیده است نوشته است	پانزده بیضه یک عباسی
که نواب شایزاده حشمت الله صاحب اختیار ملک	بکخوار یک تومان
آذربایجان ازین تخم پنجه که سترشیا کشتن پیشی دینار	بکخوار پانزده هزار
آردمی حدیثشان فرستاده بود با کربلوکات آن ملک	یکمین دو هزار و چهارصد
پنجه لعل می آید و تقسیم کرده اند که بکارند و لعل باورند که در	چهارمین هشت هزار
ولایت مذاول شود و امید است که کاشتن پنجه مزبور در آنجا	چهارمین دو هزار و چهارصد
گرفته منفعت زیاد بجهت دولت رعیت بکند و در آردومی چونکه لعل	بکخوار پانزده هزار و ده شاهی
پارسال این پنجه را دیده و معشرا فرمودند از سال بسیار	بکخوار شش هزار و ده شاهی
طالبند اند که خودشان بکارند و کشتن مزبور چه تخم	چهارمین دو هزار و ششصد
بمالجاء جامعدهان حاکم آردومی داده است که هر کس	چهارمین دو هزار و نهصد
صصلاح بداند تقسیم نماید و جناب آقا مجید نیر ازین تخم	بکخوار چهار هزار
پنجه خواش کرده است و در میان کسانی که لعل	بکخوار پانزده هزار

۴۱۶

سخت و قوی	یکوزار	چهار تومان و پنجاه و پنج	ریز	یکمین	یکزار و هفتصد
سخت و رسی	یکوزار	سه تومان	زعفران	یکجا	دو تومان
ماش	یکوزار	دو تومان و بیست و نه	زرشک	پیدانه	یکمین
عدس	یکوزار	دو تومان و پنجاه	زرشک	تبریزی	یکمین
لوبیا	یکوزار	دو تومان و هفت و پنجاه	آب لیمو	یکمین	دو هزار و پانصد
تنباکوی اعلی	یکمین	چهار هزار	لمبوی عمانی	یکمین	دو هزار و هفتصد و پنجاه
تنباکوی وسط	یکمین	سه هزار	رزد چوب	یکمین	یکزار و پانصد
آبقوره	یکمین	دو شاهی	سایر ولایات		
نخل	یکوزار	یک تومان و بیست و پنج	آذربایجان	از فرار	یک در روزنامه آذربایجان
سنگینک	یکوزار	چهارده هزار	بودند	این اوقات	قیمت غله آنجا
کشش	چهارمین	سی و شاهی	و درین سبب	جماعت خبازان	کمتر می نهند و نان در
حلویات	یکمین	چهار هزار	بازار آنجا	کم یاب بوده است	در هر یک من نان
روغن خراج	یکمین	سی شاهی	کم میداده اند	مردم از دست	جماعت خباز خدشت
سرکه	یکمین	سه صد تیار	استطاعت	شایزاده	حشت الدوله
سکنجبین	یکمین	دو هزار و شصت و پنج	آذربایجان	بظلم	رفته بودند
ماست	چهارمین	یکزار و دینار	قراری	در امر آنها	دادده شود
پنیر شور	چهارمین	سه هزار و صد و سی	بست	رفته بودند	چون سخنان خبازان
قنداری	یکمین	شش هزار و ده	حساب	و ضابطه	صواب بنوده
قندیروی	یکمین	چهار هزار و یکجا	وارد	دادده اند	که نان را
نبات	یکمین	سه هزار و سیصد	و لکن	در هر یک	من پنج سیر
شکر خام	یکمین	دو هزار و شصت	تلافی	کرانی	غله را
هل	یکمین	دو تومان	جماعت	خباز نیز	باین تشریح
میچک	یکمین	پنجاه	و از	بست بیرون	آمده اند
دارچینی	یکمین	دوازده	حشت	الدوله	در باب
فلفل	یکمین	دو هزار و شصت	بازار آنجا فراوان است		

۴۱۷

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند امالی آن استان در ممدامن و امان اند و هوای آنجا بجهت بارانهای نافع و بموقع که درین اوقات آمده است کمال اعتدال را بهم رسانده و در شهر و بلوک کرمان نهایت ارزانی و شادانی و وفور نعمت است

فوج دویم کرمانی ابوالجهمی عالیجاه میرزا کوچک خان شکر از قراریکه نوشته بودند سه روز در آنجا مشغول مشغول شدند و کسر فوج مزبور را هم موافق تقسیم در کار بوده اند و کف فوج را تمام نماندند

از قراریکه نوشته بودند یک نفر سرباز از فوج جدید کرمان بر فاقت بک نفر دیگر غیر سرباز در سپردن شهر یکی از عابرین دست اندازی نموده بودند مراتب بعرض نواب شاهزاده مؤیدالدوله طهاسب میرزا حکمران کرمان رسیده آنها را گرفتند روز خیرتس نموده بودند تا اینکه سربازان دهرزکی آنها از خارج نیز ثابت و مسلوم گردید سربازان چوب زده و اخراج بلد کردند و آن دیگری که زیاد تقصیر داشت تنبیه و بازخواست کامل گردید

و دیگر نوشته بودند که ده تومان پول انحصس سربازان منفقود شده بود شخصی از قشرای کرمان و چه مزبور را یافتند و بعد از تفحص و بختس بصاحبش رسانده و دیناری طمع و حوصله نکرد بود

استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته بودند ساری خان زده نیت که صدر شوزت و غارت می شد این

۲۱۸

۴

ادقاتت پارادر خود و دو نفر دیگر بنسرد مغرب انخاقان محمد و ایجان پیکر بسکی آمده اظهار توبه و ندامت و تعهد اظهار خدمتگذاری و انقیاد این دولت قوی گنت علیه نمودند و مقدم شد است که بعد ازین بمصدر مسیحکونه سرتیارت نشود و مغرب انخاقان مشارالیه نیز او را علی بابین نوازین نموده و اطمینان و مسید واری بجا طغنت این دولت

علیه داده است

از قراریکه نوشته بودند عالیجاه میرزا عبدالرحیم احمدی وزارت دول خارجه که حسب احکم اولیای دولت علیه خلعت برای ریش سفیدان میوت و کوکلان برده بود این ادقاتت وارد آنجا شده و خلعت هر یک را ابلاغ نموده و برای آنها اسید واری تازه حاصل شده است

همدان

از قراریکه در روزنامه همدان نوشته شده است مرد قیصری در ددل که منم داشته است و از عدم امکان معایجه و شدت در ددل سبب شده است شکم خود را پاره نموده وفات کرده است

در یکی از دقات خدائیدلو نوشته بودند که زنی بیک سگ سه پسر زائیده و دو نفر آنها بعد از سه روز فوت شده اند و یکی دیگر در قید حیات است

از قراریکه نوشته بودند درین اوقات بکرک زیاد در همدان باریده و بیافات آنجا ضرر زیاد رسانده است و همچنین نوشته بودند که چهار روز علی الاصل هوای آنجا شدنی سرد شده است که با هوای تونس چندان تفاوتی نداشته است

x

۴

انجار دول خارجه

انگلیس درین وقت اخبار دول فرنگستان رسید تاریخ کاغذ اخر از لندن پای تحت انگلیس مرقم جیب بود و چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده است مدتی بود که مابین صنعت کاران و صاحبان کارخانها شده بود و بسیاری از کارخانهای انگلیس خصوصاً کارآهن خوابیده بود که عمده جات این کارخانها مزد زیاد خواستند و صاحبان کارخانها میدادند درین روزنامه نوشته اند که اینها حالاً کیطوری با هم بکنار آمده اند و کارخانها را برانداخته اند چون خوابیدن این کارخانها ضرر زیاد بولایت انگلیس میرساند و از مقدار عمده کبلی کار مانده بودند تا اغتاشش میرفت از راه افتادن کارخانهای مزبور و گفتگوی صاحبان کارخانها و صنعت کاران جمیع اهل انگلیس شادمانی داشتند

امورات و زرابطور خوب پیش میرفت و دولت انگلیس با جمیع دول فرنگستان دوستی و یگانگی تمام داشت و بحث جزئی که بعضی از دول در سر فراریها که بولایت انگلیس پناه آورده بودند داشتند بطور اصلاح و خوبی شده است

روس

درین روزنامه نوشته اند که علیاحضرت امپراطور روس سیاحت بکند و در روز شنبه به جیب وارد شهر برلین پای تحت پرستیه میشود و در آنجا تا روز هفتم شعبان بنا داشت که توقف نماید و از آنجا فرار بود که بمملکت

سقتس و یار که یکی از مالک کوچه است برود و از آنجا برآید شهر فرنگ قورت بولایت شلنگن بعد از آن که بود نیز از مالک کوچه است برود و ماه ژوئن که بناست اسلام از دوازدهم شعبان تا دوازدهم رمضان بنا داشت که در آنجا توقف نماید و در راحت بنا بود که از شهرهای کلون و برلین و استتین بکلی تمسک فرمائید

فرانس

تاریخ کاغذ اخر که ازین ولایت رسید روز پنجشنبه رجب بود و در روزنامه های آنجا نوشته اند که بنا داشتند که قشون زیاد جمیع امنای دولت فرانس در روس می که بیستم رجب باشد نزدیک شهر پاریس جمع شوند و قشونی که در خارج فرانس بودند مبادا که از دست بیرون بروند که وکیل از جانب خود پاریس بفرستند تا این تفصیل که از پیاده نظام یک مرتب و یک سلطان و یک ناب و دو نفر وکیل و دو نفر سر جوقه و دو نفر تاین و از سواره نظام و توپخانه و مهندسین یک مرتب و یک سلطان و یک کسبل یک سر جوقه و دو نفر تاین اینها وکیل میشوند از طرف قشون فرانس که در خارج در مملکت پاریس و در مغرب زمین اند و ایام ناپلیان در روی چوب سینه شکل عتاب بود بعد از آن در ایام سلطنت اولاد ناپلیان قدیم فرانس این شکل عتاب از روی چوب سینه چهارباره شد حال لوی ناپلیان بنا دارد که این شکل را دوباره در چوب سینه نصب نماید و از آن راه که این علامت ایام جلال دولت فرانس بود مکان است که کل قشون این فرانس بسیار خوشحال میشوند و درین باب در روزنامه فرانس

باینطور نوشته اند که در وقت در آن روز وزارت نامه در اهل دولت یسکی دنیا حرفی زده بودند که خلافت روی
 باب دولت فرانسه بگذارند بلکه کانست که در همان روز و حرمت دولت استریه بود و ضرب از دولت استریه
 لوی ناپلیان بلقب امپراطور پادشاه فرانسه بشود در خصوص جنگ مجارستان گرفته بودند مصحفی گذار
 بعد از تسلط شدن پرنس لوی ناپلیان در ولایت فرانسه
 معلوم میشود که نظم در ولایت فرانسه منجمله بخوبی
 ازین راه که مالیات دیوان بخزانده زیاد می آید
 بنا دارند که کل عمارات دیوانی شهر پاریس و اطراف شهر
 و حصار و قلعات را تعمیر نمایند و بجهت این کار فخله و
 زیاد در پاریس جمع شده اند حتی در ساختن راه
 آهن بجهت زود کال که بخار و در سر زراعات بجهت آدن
 این عملها آدم کم مانده است

پرنس لوی ناپلیان رئیس دولت فرانسه بشهر آریا
 رفته و چند نفر از وزیران همراه خود برده بود و در بعضی
 جاهای آن صفحات قسم سیاحت کرده است و لکن
 کسی نمیداند که سبب سیاحت پرنس لوی ناپلیان
 در آن صفحات چه بوده است

استریه

در روزنامه فرنگ فورت نوشته اند که موسیویچ که
 سابقا وزیر داخله علیحضرت امپراطور استریه بود بجای
 پرنس شوارت زن نورغ که درین روزها فوت شده است
 وزیر اعظم آن مملکت شده است
 گفتگونی مابین دولت استریه و دولت یسکی دنیا
 شده بود در سر این که در خصوص دولت استریه بعضی
 دارنده که درین خصوص فتواری بگذارند

نفس پرنس شوارت زن نورغ را که سابقا وزیر اعظم
 امپراطور استریه بود با کمال حرمت برداشته و
 بیسم که وطن خود او بود و اقوام و اجدادش نیز در آنجا
 مدفون اند فرستاده اند که او را هم در آنجا دفن بکنند

احوال متفرقه

در روزنامه اسلامبول که در زبان فرانسه چاپ
 نوشته اند که در داد و ستد بعضی از پول رواج اسلامبول
 اختلاف بهم رسیده است پولی طلا در آنجا است که
 موافق حکم دیوان صدق و شش رایج است که دو تومان
 پول ایران باشد حال مردم این پول را بصد و پانزده
 قروش داد و ستد می کنند اسنای دولت سنا
 دارند که درین خصوص فتواری بگذارند

درست و آریه و بوگرت و او دستم و سایر مالک
 که نزدیک برود و نوب وقوع اند در زمستان گذشته
 بسیار خوش و بلائیت گذشته و سختی و سردی بوده است
 اما بعد از عید نوروز هوا بسیار سرد شده بوده است
 حتی در شهر و ازین بنا یخ میخیزد که بیشتر از نگاه
 بعد از عید بود نوشته بودند که هوا بشدت سرد بود و
 کمی هم آمده بود و چونکه در آن ولایات کله درمه از کاو و گو
 سایر و اوب زیاد نگاه میدارند بجهت شدت سرما که علف
 درست زودیده بود بسیاری ازین حیوانات از کوفتند
 و غیره تلف شده بودند داد و ستد عمده آن ولایات درین
 حیوانات است و در بعضی جایها نوشته اند که یک تن ازین
 حیوانات تلف شده اند و بسیار خرابی خستاری بر عیال
 آن است رسیده است از او دستم نوشته اند
 که چنان برون و باز آمدگی شده بود که تردد از شهر با یکدیگر
 مشکل گردید بود از تگن رابع که قصیده باشد در ملک
 قرم نوشته بودند که متاسفانه خدایم جادی الهانی
 یخ لشکرگاه شکسته و راه دریا باز شده بود و لکن هوا
 باز سرد بود و در او دستم شبانه روز طوفان شد
 بود و جمیل توشش داشتند از اینکه کشتیهای آن
 مبادا غرق بشوند

ایضا در همین روز نامه نوشته اند که لامارکی و له و لوط
 که وزیر مختار از جانب دولت فرانسه معین اسلامبول
 درین روز نامه دولت فرانسه رحبت کرده بود مصیبت
 سفیر کبیر با و داده اند و نشان اول نیز از ایران و
 و از آن دولت خود شش با و داده شده است
 و پادشاه ناپولی نیز بجهت خدمات مشارالیه که بان
 دولت کرده بودند نشان قوسنستپین با حامل بزرگوار
 داده است

هم درین روز نامه نوشته اند که بنا یخ چهارم
 رجب صرة این که که کتبه پول مخصوصی است که سلطان
 هر ساله در وقت روانه شدن حاج بجهت شریف مکه
 میفرستند از اسلامبول روانه شده علماء و شایخ و قضای
 اسلام از اسلامبول تا کنار دریا سجده احترام صرة
 رفتند و نظام نیز بیرون آمد آنچه لازم حرمت و قائل
 آن دولت است عمل آورد

در روز نامه گذشته نوشته بودند که دزدان چابار
 و ولتی عثمانیه را در آن صفحات گرفته و کشته اند و بنده
 هزار فرقه و شش که تخمینا بیسده هزار تومان پول ایران با
 در نزد چابار بوده است برده اند اکثر دزدان با این پول
 بدست چاکران دولت عثمانیه افتاده اند بعضی ازین دزدان
 بجزایر سقر رفتند بودند آنها را در آنجا گرفته اند و بعضی
 نیز در جای دیگر گرفتند اند و از قرار که معلوم کرده اند
 اول یک کشتی که در آن صفحات کشت مسی کرده اند با
 دزدان مزبور شریک بوده اند پول و اسباب که
 نزد چابار بوده است در میان کشتی گذاشته و بجزایر

۴۲۱

یونان برده بوده اند و در همان جزایر کشتی کشتیان
به دست ستمگین دولت عثمانیه افتاده بود

درین اواخر ایام جنگ و نزاع میان خود این سیاهها
افتاده بود درین روزنامه نوشته اند که قنصل
دولت انگلیس در میان آنها مدتی قرار تار که گذاشته

از شهر دمشق نوشته اند که چند سال بود که بلخ خرابی
زیاد در آن صفحات مسکون در اول بحار امسال
شده بود که تخم شس احسب کنند و بسوزانند که
بلکه تلف بشوند عسکر محمد پاشا سه فوج سربازان
مملکت برده است که امداد بزراعت کاران درین کاریه
بکنند و امید داشتند که بهین تدبیر بلخ را تمام نمایند

که بلکه جنگ و خونریزی در آنجا موقوف نشود
در روزنامه خیده وقت پیش ازین نوشته بودند که یکی از
کشتیهای بخارا که همراه اعلیحضرت امیر طو استریه از
شهر و نیز بطریقت میرفت در طوفان غرق شده بود
و آنها که در میانش بودند تلف شده بودند و دست نیافتند
که در کجا غرق شده اند و در ریاضت میگردند که بلکه اثری

دولت استریه در مملکت بخاراستان المخی بسیار
دارند درین روزنامه یک صاحب سبع المخی مزبور را
بمملکت دمشق فرستاده اند که اسبهای عربی ذات خاص
که نسل انبل تا چند نسل معلوم بشود که از اسبهای

ازین کشتی پیدا نمایند آخر کشتی مزبور را بستند و چونکه در آنجا
که این کشتی غرق شده بود آب دریا کم عمق بود سیرای کشتی
از بالای آب نمایان بود کشتی باله خراب شده است
و لکن بکان دارند که توپها و بعضی از اسباب که در میانش بود
سیاورند

اعلانات

عرب اند سجزه بولایت بخاراستان ببرد و تخلیه از بخارا
صدر اعظم ممالک عثمانیه بهین عسکر پاشا و حکام بولایت
آورده است و حکام و عسکر مزبور کمال حرمت را نسبت
با و کرده اند و صاحب منصب مزبور بنا داشت که نسبت
جنوب مملکت دمشق بمیان اعراب بدوی برود که در میان
آنها بلکه اسبهای که بخارا و سجزه خریداری نماید

چنانچه در روزنامه متره ۷۱ نوشته شده است بعضی اشخاص
که ازین روزنامهها دارند سفر میکنند یا امور می شوند یا
منزل عوض میکنند چون بمباشترین روزنامه
اعلان نمی کنند روزنامه بخارا درست نمیرسد و بسبب
کله مسندی آنها از بمباشترین روزنامهها میشود
لذا بصاحبان روزنامه اعلان میشود که هر کس که
روزنامه دارد اگر منزل عوض میکند یا سفر برود یا ماخوذ

در جزیره معطلی که یکی از جزایر خط استوا است بقادر دست
فرانس بود و چنانکه در کل آن جزایر قانون است زارین
کلاً غلام و کنیز سیاه بودند بعد از آن این غلامها از آقایان
خودشان باغی شدند و دولت جداگانه کردیدند

بولایتی بشود میباید بمباشترین روزنامه بنویسد
و استحضار بدد که در هر کجا باشد روزنامه بدو
معطلی با و برسد

روزنامه قایح اتفاقیه تاریخ روز پنجشنبه ششم ماه رمضان المبارک مطابق سال سی و پنجم

مهمت روزنامه
یک نسخه از هر یک از کتب و مجلات
قیمت اعلانات
یک سطر تا چهار سطر یک روز
پنجاه سطر یک هفته



نزهت و دستم
در کسر و طران طالب
درین روز نامه
بازر جدید در دکان
بلور و شیشه فروخته شود

اخبار داخله ممالک محروسه بادشاهی

دارالخلافه طهران

چون این اوقات ماه مبارک رمضان و ایام طاعت و عبادت اهل اسلام است علماء و فضلاء عظام در مساجد و مدارس بر بوعظه و ترغیب مؤمنین و بیعت و طاعت و عبادت خالق یگانه و حصول دعاگوئی بجهت ذوات اقدس ملوکانه اشتغال دارند و از اهتمام و نظم امنای دولت قوی شوکت علییه بعضی لایحه و مناسبتی که از الواط و ارازل ناسر در زمانهای سابق در ماه مبارک رمضان و غیره ملاحظه میشد درین ایام بکلی متروک و منسوخ است و کسی را قدرت و یاری خلافت قاعده و شرع نیست و عموم املی دارالخلافه طهران از اشراف و اعیان و کسبه و رعایا در کمال رفاه و آسودگی هر یک بکار و مشغول خود مشغول و کمال شکر گذاری را دارند و بجهت اینکه درین ایام صیام روزها بلند و شدت گرمای تابستان است و حرارت و ضعف روزها در عطرش مردم تاثیر بسیار مباد قرار است که تا وقت بظن

مردم در منازل و خانههای خود با سرتراحت مشغول باشند و از ظهر تا عصر در مساجد و معابد نماز و طاعت و عبادت بسر برده و بعد از آن تا غروب افتاب در سخن مکتب که امامزاده رسیدند و علی آباء الف الحیة والسلام که کسبه و اصناف از هر قسمل نقایس و اتمه و امتعه و ظروف و اوانی و قطعات صنایع و بدایع حمیده اند و موافق سال قبل فضای سخن و ایوانهای حجرات را به بلور آلات و غیره آرایش و زینت داده اند و فی الحقیقه اسباب مشغولیت است مشغول تفریح و تماشا و داد و ستد بوده روز را بشام رسانند که ملبندی و حرارت ایام تابستان و ضعف و کسلی و تشنگی ایام صیام همین و مقدسین را چندین صدمه و اذیت رسانند اگرچه تا بحال هوای دارالخلافه طهران بطوری که گمان میشود که گرم بشود چندین گرم نشده است و امید است که این ماه مبارک را بخوشی و طاعت بگذرد و زیاد گرم نشود

۴۲۳

و از روز روزنامه اخبار شهر طهران نوشته اند هوای شهر
اعتدالی دارد بطوریکه چندین نقابت بر رویه داران
روی نیندهد و انواع میوه جات شیرین فراوان دارند
و شبها تا صبح مردم از مردوزن بساجد و عبادت و نماز
و تفریح بصحیح مشرب که امام زاده زید علیه الرحمه که با انواع چای
از لاله و مردکی چراغان کرده اند میروند فراوانها و کشیکچی
و گرمای محلات مشغول حفظ و حرارت و در سرکار و خدمت
خود هستند و لکن قرار نیست که کسی از عابرین میسرودن
در کوچه ها از حرم و مقبره بشوند و صبح و شرفیه نیست
رفاه و آسودگی و شکر گذاری دارند

امورات قشونی

مقرب اخاقان فضلعلی خان میرنجه و بیکلر بیگی که سا
باین دولت جاوید آیت علیه خدمت کرده بود
حضرت آدس همایون پادشاهی محض رحمت ماکا
در باره مقرب اخاقان مشارالیه درین اوقات او را
بمنصب جلیل امیرتومانی سپاهی و سرافراز موبد

نظریات لیاقت و شایستگی عالیجاه عبداللہ خان
جوانشیر درین اوقات از فرار فرمان مبارک بکسر
فوج اول خاصه بفرمان گردید
فوج جدید بر خوار و ماربین اصفهان را که عالیجاه چران
بر کاب نفرت تمام بسایون فرستاده بود از
نظر اعلیحضرت پادشاهی گذشته بسیار سخن
و مقبول افتاده مورد تعریف و توصیف گردیدند و
در حق آنها رحمت شد و سخن جوانهای قابل خوب بودند

و کمال امتیاز را داشتند
چون زاج قرآکو زلو که در فارس ساخلو بودند
توقشان در آنجا است و یافته و در سفر کرسیرا
زحمت زیاد کشیده بودند لکن فوج مخبران شتاقی را
بسر ای عالیجاه قاسمخان سرتیپ قراباغی
عوض افواج قرآکو زلو برای ساخلو فارس نامور فرمودند
و فوج مزبور حسب الامر از رکاب بسایون مرخص و روان
شدند

چون بجلت اقتضای صفحات افغانستان اغلب
اکثر قشون خراسانی برای حرارت آن سرحدات با عالیجاه
عباسقلی خان میرنجه در سرحدات افغانستان میباشند
طایفه ضالہ ترکمانیه فرصت عنایت یافته این اوقات
بنای ناخت و تاز و افشا سر گذار است از اولیای
دولت قاهره خیال دارند که این روزها برای انتظام
آن صفحات یک دو فوج سرباز خوب با هزار نفر سواره
و یک نفر از نوکرهای بزرگ رشید کار آمد مامور نمایند
که رفته امورات نظرف را نقطه تمام سازد و درین روزها

حسب الامر بسایون روانه خواهند ساخت
درین روزها قولی مطرت سوز و بعضی صاحب مصمصمان
دیگر از اهل ایتالیا بعزم خدمت اعلیحضرت قوی گشت
پادشاهی وارد دارالخلافه طهران شده اند و در
سلک چاکران این دولت علیه مستلک گردیده و
والآن مشغول مشق افواج قاهره لظف نام میباشند
چونکه صاحب منصبان مزبور قابل نظر می آیند
امید است که خدمات آنها بکار این دولت علیه بخورد

۶۲۴

وافواج قاهره نظام از آنها مشورتی کامل میباید
 افواج قاهره نظام که هر روز در میدان خارج دولت
 مشغول مشق بودند درین اوقات ماه مبارک
 رمضان بجهت ضعف روزه حسب اشاره اعلیایه
 از مشق معاف و مرتخص میباشند که بتوانند بسیار
 و معابد رفتن بنماز و عبادت اقامت نمایند

سایر ولایات

خراسان از قراریکه در روزنامه شاهرود
 نوشته بودند عالیجاه مرتضی قلی خان در باب تعمیر
 قنات جلالی در حیت آب آسعی و جهد تمام داشته
 و کمال کوشش را در جاری نمودن آب قنات مزبور
 میموده است و با امالی در عیال نیز با نهایت مهر و
 حسن سلوک رفتار میکرد است و نهایت
 رضامندی از رفتار او داشته اند و درین اوقات
 بسرکشی قنات حیت آباد رفته بوده است

دیگر در روزنامه آبخا نوشته بودند که چند نفر از اگراد
 قمارگویی خراسان بقریه محسن که پنج فرسخی شاهرود
 و متول مقرش آبخا خان کشیکچی باشی است سبقت
 آمده و پنج رسس مادیان و یک رسس قاطر برده
 بودند عالیجاه مطلب خان نمک دار خاصه پادشاهی
 و سرکرده سواره کوداری و بطامی که مامور گذرانیدن
 قنات از طرق و شوارع منازل مخوف آبخا میباشد
 سارقین مزبور درین راه باو برخوردند اند آنها را
 و گرفته تشبیه کامل نموده مالها را استرداد و نیز صاحبان
 فرستاده و درودان را بناد داشته است که در آنجا

طهران روانه نماید و زردان بزوار طنجی گردیده و زوار
 شفاعت آنها را نموده اند و آنها را از دزدی توبه براده
 و زوار را از منزل مخوف گذرانده خود بشاهرود
 مراجعت نموده است

عالیجاه نادر سیلخان سرکرده سواره ایلات که بسیار
 سواره خود مامور خدمت خراسان بود از سبزو
 عبور کرده و از قراریکه نوشته بودند بطوری با نظم و
 رفتن از آبخا گذشته اند که امالی آبخا نفصیده اند که
 اینها زو آید با قنوت و بسیار خوب از آبخا عبور
 کرده اند

از قراریکه نوشته بودند عالیجاه علیخان حاکم جوین
 از خود سب راه ترکمان فرستاده بوده است و هنوز
 خبری از سواره مزبور نرسیده بوده است از جاییکه
 خبر رسیده است که سوار ترکمان بسر ایستقرا این رفته
 عالیجاه شارایه بجز استماع فی الفور بایت نفر
 سوار با ایستقرا این رفته و ترکمان رسیده و جنگ
 مابین آنها اتفاق افتاده و نفر اسیر و دور رس اسیر
 طایفه ضاله ترکمان گرفته و آنها فرار کرده اند و اسپه
 ایستقرا این رسیده است و عالیجاه شارایه در
 انصفاست سعی و اهتمام تمام دارد

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند در
 سلج نامه رجب از ضعف طفلی بکمل و بیانات سیرین
 متولد شده است که همه اعضاء آن طفل
 با اعضاء میمون مشابه بوده است مگر آنکه
 دم نداشته است

۴۲۵

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته شده بود این وقت
 امر آنجا بهتر و بیشتر از پیش منظم و مضبوط است و
 نواب شاهزاده امامعلی میرزا حکمران کرمانشاهان قرار
 داده اند که وقایع هر یک از بلوک و محال و دوات
 کرمانشاهان را هر روز در روزنامه کرده بلاحظه نواب میرزا
 برسانند و بدین سبب اسرار و الواط الوالات دستان
 از شرارت و مفاسد بکلی کوتاه گردیده و مفقود الاثر
 شده اند حتی از نظم و نسق نواب معزی الیه و اغتیار کرمانشاهان
 بطوری نوشته بودند که داروغه آنجا آمده و از دخل خود
 استغنا کرده و گفته است که اغتیار شهرت است که
 در این دست عمل خلائی از احدی سر نزده و دینار
 از جامائی که ما خودی داروغه خانه است رسیده است
 از عهد و وجه جاریه آنجا نیستونم بر ایم
 و هم چنین نوشته شده بود که این اوقات نواب
 شاهزاده امامعلی میرزا بتاد عمه بجات و باغ شاهزاده
 مرحوم میرزا محمد علی میرزا از احتیاج آنجا تعمیر نمایند
 و آنچه تا بحال تعمیر شده است نوشته بودند که
 بهتر از سابق شده است
 افواجی که در کرمانشاهان و بلوکات آنجا هستند از قراریکه
 در روزنامه آنجا نوشته بودند در کمال نظام و انضباط
 از جمله فوج نهادندی هر روز مشغول مشق و آموزش فوج
 نظام میباشند و از رموز و قوانین مشق خیلی مطلع
 آگاه شده اند این اوقات نواب شاهزاده امامعلی
 بیان فوج زبور فرستاده مشق آنها را ملاحظه کرده بودند

۴۳۶

و بسبب مهارت آنها در قواعد مشق نظام با آنها اتفاق
 داده بودند و سایر افواج کرمانشاهانی را هم بشهر
 احضار کرده سان همگی را بدقت دیده و صورت
 سان و غیره آنها را بحضور اولیای دولت علیه
 فرستاده بودند

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته شده بود امر آنجا
 از اتمام نواب شاهزاده مؤید الدوله طحاسب میرزا
 حکمران کرمان از هر حیث و هر جهت منظم و مضبوط است
 و این اوقات خزاین سیستان عریضه مشعر بر اظهار ارادت
 و بندگی این دولت قوی گشت علیه نوشته بصحابت
 یوزباشی قاسم نام فرستاده خود خدمت نواب
 مؤید الدوله ارسال داشته بودند و در ضمن آن تعهد
 خدمتگذاری و انقیاد این دولت ابدایت را نمودند
 نواب معزی الیه نیز جواب عریضه خوانین سیستان را
 نوشته و آنها را با عطف اولیای دولت علیه امیدوار
 و دلگرم ساخته فرستاده مزبور را هم بعد از انعام و
 خلعت رخصت انصرف داده است

توپچی و سربازی که در کرمان میباشند از قراریکه نوشته
 بودند هر روز در میدان ارک آنجا مشغول مشق میباشند
 و رسوم مشق را چنانچه باید دریافت نموده اند و کسر فوج
 و تیم کرمانی را نیز چنانچه در روزنامه گفته گشته است
 شد نواب شاهزاده مؤید الدوله حسب الامر اولیای دولت
 علیه بلوکات تقسیم نموده و محصل تعیین کرده اند که جوانان زیر
 با اندام گرفته ابو ایوب علیجاه میرزا کوچک خان سمرنگ و حاضرین

اجبار دول خارجه

انگلیس در یکی از روزنامه های انگلیس نوشته اند که در مدت پانزده روز که از نهم جمادی الاول تا بیست و چهارم ماه مزبور باشد ده هزار نفر از یک شهر و ولایت انگلیس بیرون رفته بودند که مینگی و نیای شمالی بروند و چاه و سه کشتی که از این اشخاص در او نوشته بودند روانه مینگی و نیاس شدند و کشتیها کم بودند و مردم معطل کشتیهای دیگر بودند که با آن ولایت بروند

این جمله را فهمیده اند در بعضی جایها ضرر زیاد قشون انگلیس رسانده اند

طلایی که در مملکت نو حالت حسد اند باعث اغتشاش در میان جنس آن ولایت شده است مردمان آن ولایت آن و الواط آن ولایت بسر راه معده پنجه که طلا از سکه در آورده و به نازل خود برگشته اند میروند آنها را برهنه کرده و خطای آنها را میگیرند و دیوان القدر آدم میزند که در میان آنها نظم بگذارد

استریه

در حساب تجارت که در ولایت انگلیس می نویسند اجناسی که از شهر لوره پول بخارج فرستاده اند در سال بیشتر از دیگر دول ایران حساب کرده اند و نصف مال تجارت که از ولایت انگلیس بیرون میروند ازین شهر بیرون می رود و سبب این است که از شهرهای آن است ولایت انگلیس که همه کارخانها و تجارت عمده دارند راه آهن ساخته اند که بشهر لوره پول بسیار و اگر تجارت مینگی و نیاس از آن شهر میشود و روی زمین کمتر شهری است که مانند شهر لوره پول تجارت داشته باشد

در یکی از روزنامه های آنجا نوشته اند که بعد از آنکه دوستی و اتحاد مابین دولتین انگلیس و استریه دوباره مثل سابق محکم شد و خبر این بابل استریه رسید بسیار خوشتر و مسرور شدند از آنراه که در میان دولتین مزبور از ایام قدیم دایم الاوقات دوستی و یگانگی بود و هیبت استند که در سربل خبری این اتحاد بهم بخورد

ما نری سینک که از اولاد قدیم پادشاهان فرانسه بود مدتی در شهر پیر بود و از آنجا میخواست ولایت برود در روزنامه وینته پای تحت آن مملکت نوشته اند که بناد استند در فضل بهای قشون زیاد که کلا از سوار نظام میباشند نزدیک بشهرتیت حبس کنند که مشق حرکت نمایند حال موقوف شده است و در اول بانیر این قشون را در آنجا حبس خواستند کرد و خود اعلیحضرت امپراطور استریه با آنجا خواهد رفت

فرانس

چنانچه در روزنامه هفتگه گذشته نوشته شده است

در ولایت انگلیس گفتگونی شده است که از تفنگهای شش جوان که بطرح تازه در فرنگستان ساخته اند افواج بلکه بکل افواج انگلیس که در هندوستان است بهینند و در جنگهای هندوستان مکرر دیده شده است که تفنگ سه بازی قشون انگلیس بدو دستی تفنگهای ابل آن ولایت کلوله نمی اندازد و چونکه ابل مندر جنگ

پرس لوی ناپلیان رئیس آن مملکت قرار داده بود که
 در بیستم جب قشون زیاد نزد یکسپای تحت حسیع
 بکنند که شکل عقاب که در قدیم روی بید قهای قشون
 فرانسه بود دوباره در آنها نصب نمایند حال موقوف
 کرده اند و قرار داده اند که در بیست و هفتم جب در آنجا
 جمع بشوند باز در بعضی از روزنامه های فرانکستان نوشته
 که پریش لوی ناپلیان بنا دارد که خودش را در همان
 روز پادشاه فرانسه بکند لقب امپراطور را تا در خود
 فرانسه که حالاً همه در زیر حاکم دیوان اند و مانند
 از سایر ولایات فرانکستان آزادی درین بابست
 می نویسند که اگر کل قشون که در آن روز در آنجا جمع
 و کل حلق که حسیع می شوند بخواهند لوی ناپلیان را
 امپراطور بکنند همان نیست و تا این حمله رجوع بکل اوضاع
 بشود و آنها بخواهند که همین قاعده دولت جمهوری را که
 دارند برسم بزنند لوی ناپلیان را ب لقب امپراطور پادشاه
 بکنند امپراطور بخواهند شد

سکته شده بود و صبح آن روز پارچه پارچه شد
 آنها را بست در یازده و لکن کشتی با نجا نیامده بود
 در روزنامه روسیه نوشته اند که پنج رودخانه و آله که
 از حاجی ترخان میگذرد و نزد یک با نجا داخل دریا
 میشود در بیست و دوم جمادی الاول شکسته و بعد از آن
 چند روز رودخانه گشوده شد

در چند روز در بعضی از آنها که مذکور شده دارند
 غریب دارند در خصوص سوزاندن مرده ها که اگر مرده
 باید از آن سوراخش شوهرش زنده زنده سوخته
 شود دولت انگلیس سپاسی دکوشش کرده اند که این
 قاعده را موقوف نمایند همین میدانست که در آنقدر
 اما لکنند که در دست آنهاست این قاعده موقوف شده
 درین اوقات عقیده اند که در بعضی جاها باز این عمل
 که عین پریمی است معمول است و موقوف کردنش با لزمه
 بسیار مشکل است خصوصاً در میان سلسله راههای
 هندوستان که از قدیم پادشاهان آن ولایت بوده اند
 آنها باز این قاعده را در میان خودشان معمول دارند

کشتی سبکی دنیای شمالی درین روزها سپار زودان
 چین بولایت انگلیس آمده است بزرگی کشتی اینطور است
 که چهار هزار حردار بار بکشد و اکثر بارش جانی بوده
 در روز از ناخکان چین تا شهرت ن آمده بود در سال
 گذشته این کشتی بار در یو بار کشتی دنیا ساخته
 و از آنجا روانه کلی فارسیا کرده اند و از کلی فارسیا
 ناخکان چین رفته و در بیست و نهم روز از ناخکان چین

قرار اجابت لوی ناپلیان رئیس دولت فرانسه را
 دو از ده ملیان فرانک که داشته اند که تخمیناً ده گروه
 دولت هزار تومان پول ایران میباشد و قرار داده اند
 که چهار ملیان که چهار صد هزار تومان پول ایران باشد
 در ساختن مدرسه و بخش با قوام حوزو و احسان الفقرا
 و غیره بدهد و باقی را صرف مخارج حوزو نماید
 احوالات متفرقه

از شهریکه ولایت روس نوشته اند که تاریخ یاد
 جمادی الاخریج رودخانه که در آنجا داخل دریای شود در آنروز
 از ناخکان چین رفته و در بیست و نهم روز از ناخکان چین

رسید و از آنجا بولایت انگلیس آمد و اگر از آنجا روانه
میکنی دنیا بشود در ده ماه و نیم یا در یازده ماه و در
ارض را طی کرده است

از بعضی جاگن میگویند که آنها نیز آبادی زیاد دارند و در آنجا
تجارت روانه میشود و بولایت میسکی دنیا میروند که جاای غیر
معمور را تجارت آباد نمایند از جمله از شهر زمین نوشته اند
که در یک روز بیش از هزار نفر از آنجا بیرون فرستاده اند
بعضی مردم می پرسند و تعجب میکنند که اهل این شهر چرا
اینقدر از ولایت خود دست کشیده و میسکی دنیا میروند
و در آنجا ساکن میشوند اما جنش این است که میسکی دنیا
جامیت حاصل خیز و کدرانشان بخوبی و آسانی در آنجا
میشود گذشته از آنکه در ولایت خودشان از بس که
زیاده است تنگی و عسرت می کشند و اهل میسکی دنیا
بسیار مردمان کارکن و زیرک اند و آنها اطلاق را که
معمور است معمور میکنند گاه و گاه سفند و خانها و انبارها
و سایر اماکن حاج را در این را در آنجا حاضر و همایمی
اند آن مبلغ معین همه را باین اهل نسیم یا مالی دیگر و آنگاه
که با آنجا تازه می آید میفرستند قدری از پوش را نقد
میگیرند و باقی را نسیم میدهند و چون که زراعت
مغنی است که در میسکی دنیا شمالی منفعت زیاد میکند
این قسم معاندت مغنیان

یکی از گشتبای سنجار جنگل که مال دولت است آن گشتی
میسکی دنیا را گرفته است سخته این که اهل این گشتی میسکی دنیا
امداد بسیارهای مغرب زمین که اهل آنند با آنها جنگ
داشته اند میگردند که از سرش با منای و پیشین با نند و

۷۳
میسکی دنیا رجوع شده است که بصورت بدترین با صلاح

در یکی از روزها همای انگلیس نوشتند آنکه کسی عد گشتی
بزرگ از چون ساخته اند سخته دولت آستریه که نزد در
رو و خانه از بس نمایند و این گشتها بعضی در شهر توره پول
و بعضی در شهرهای دیگر و دولت انگلیس ساخته اند

میسکی دنیا که قشون فرانس که مدتی است در شهر رومپه
گفتگونی شده است که بلکه بملکت فرانسه حاجت نمایند
زیرا که بودن این قشون در شهر رومپه ضرر زیاد بملکت فرانسه
میرساند سخته اخراجات که باید باینها بیند اما چونکه از
امورات مملکت ایتالیا درست خاطر جمیع میشوند مگر
که درین روزها حاجت نمایند

۴۲۹
اگر مملکت جزیره العرب که در تصرف فرانس است آرام
بود و میگفتند که کمان بود که پرسس لوی ناپلیان بان ولایت
سیاحت نماید اما این خبر لغین نبود

از هندوستان نوشته بودند که از مملکت قشون
تعجب نسبت مملکت رنگون روانه میگردند و کمان داشتند
که جنگ سخت در آن ولایت نشود مملکت رنگون جان
بسیار گرم و بارطوبت و جنگل زیاد دارد و بسیار
آب و هواست کمان مین که دولت انگلیس درین جنگ
خیال مملکت کسیری داشته باشند چونکه نسبت
بر عابای انگلیس که در تنجا تجارت میکنند ظلم شود
و هر چه فرمانهای هندوستان سعی کرد که این گذارش
بگفت که و اصلاح تام شود ممکن نشد حال جنگی

که رفخ ظلم که نسبت برمایای انگلیس کرده اند شود
 اکثر شهرهای بزرگ این مملکت در کنار رودخانه واقع
 توپ و توپخانه و قشون زیاد دارند و طوری که دولت انگلیس
 با آنها جنگ می کند اینطور است که کشتیها از دریا
 برو و خانه آیری وادی که رودخانه بزرگ آنولایت است
 سیر شدند که بشهرها و حصار و سکر که در کنار آب
 واقع است جنگ نمایند این ولایت بسیار جای حاصل
 خیزد و پر دولت است و لکن اهلش صفا و دوستی
 باهل دول خارج ندارند

در یکی از معادن و قال سنگی در ولایت انگلیس درین
 روزها بخاری که در آنجا حسیع شده بوده است
 آتش گرفته و خیلی از مردم تلف شده اند چونکه
 درین قسم معدن تسویش زیاد است دیوانیان
 آدم میکند از آنکه در هر بیت و چهار ساعت یکبار
 نگاه میکنند که بینند سلامت باشد و جای نشین
 گذاشته باشد و معدن مزبور در همان روزها
 نگاه کرده بودند ترکیب معدن اینطور بوده است که
 صد ذرع عمیق کرده بوده اند مانند چاه و بعد از آن
 رخنه ها از زیر زمین بچاه مزبور زده بوده اند مردم
 زیاد از مردم وزن و سجه در آنجا کار میکردند آنکه
 در دهن معدن مزبور اسفاده بوده اند صدای آتش
 این بخارا سینه بودند مانند اینکه بارود زیاد
 آتش بگیرد بعد پائین رفته و دو نفر از در زیر جان
 یافتند که مرده بودند قدری پیش رفتند و لیکن
 رخسار رسیدند آنجا در آنکه مردم زیاد حسیع شده

و افتاده مرده اند بطوریکه راه رخنه گرفته شده است
 نفس آنها را برداشته و قدری پیش رفتند دیدند
 که در رخنه دیگر هم همین طور راه از نفس گرفته شده است
 معلوم شده بود که بعد از آتش گرفتن بخارا مردمی که در
 آنجا بوده اند بطرف رخنه ها گریخته اند و بالای یکدیگر
 افتاده و مرده اند و بعد از آتش گرفتن بخارا بخاری دیگر
 در آنجا است که اگر نفس آدم با آن بخارا برسد آدم
 می کشد بیشتر از هفتاد نفر در آنجا تلف شده اند که بسیار
 سوخته و زخمی و مجروح بوده اند

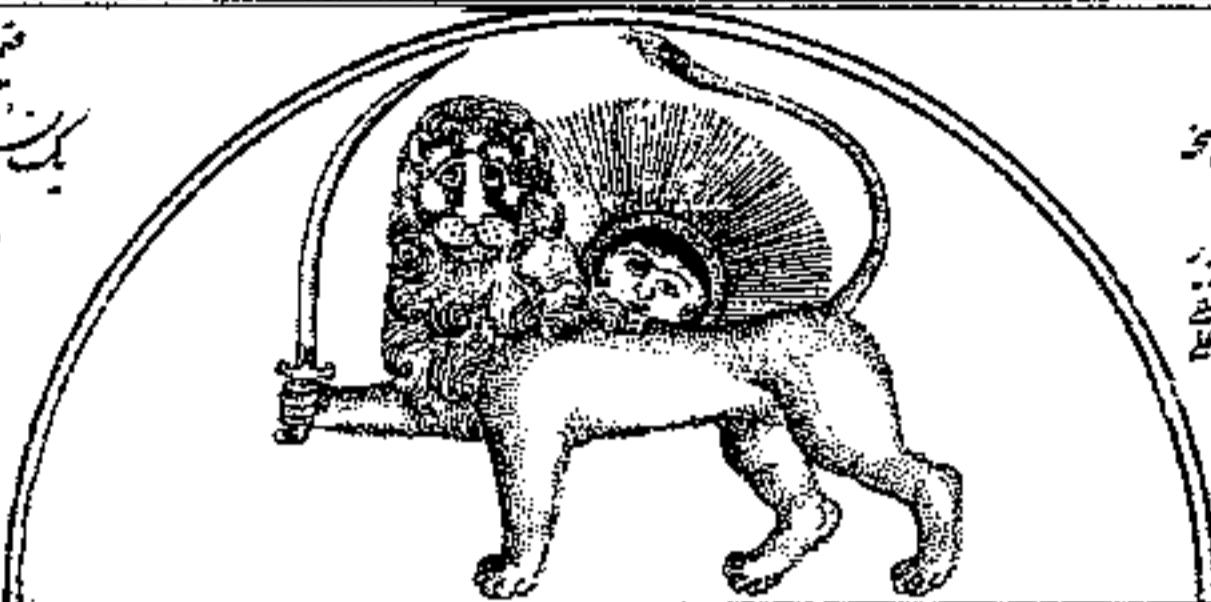
اعلانات

کتابهای چاپی که در دارالمخلافه طهران در کارخانه حاجی عبدالحمید
 استاد دارالطباعة این روزها در آنجا محلیت نزدیکی در ولایت
 زده شده است از اینها هر دو نسخه می شود

تاریخ مجالس المومنین قاضی نورالله شوشتری	بیت ده هزار
کتاب شایسته	چهار تومان و نیم
کتاب معراج السعاده	دوازده هزار
حکمه نظامی	نه هزار
چشمی	شش هزار
مسالک	شش تومان
مدارک	سه تومان
کشکول	هفت هزار
قاموس	دو تومان
تعبیرنامه	پنج هزار
کلیات	هشت هزار

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ و پنجشنبه بیست و هشتم ماه رمضان المبارک مطابق سال ۱۲۶۰

قیمت روزنامه
یک نسخه ده تبریکه در هر ماه
قیمت اعلانات
یک خط چهار خطی هر روز
بیشتر هر خطی



مزه بقا و چچسایم
هر کس در طهران طالب سخن
از این روزنامه بخواهد در بازار
جدید در دکان سید علی
ببور فروشش فروخته
میشود

اخبار و اخبار حاکم محروسه پادشاهی

در اخبار خلافت طهران

سابق بر این در روزنامه گذشته نوشته شده بود که چون مقرب الخاقان عباسقلی خان میرنجه با قشون خراسانی در سرحدات خراسان بجهت بختاش صفحات هرات و قفانستان مشغول خدمت میباشند شهرارترکمانیه فرصت ظنیت داشته بنامی ناخت و تازر دست اندازی بخراسان گذاشته اند علی هذا از دربار شوکت در پهلوان پادشاه عالیجاه مقرب الخاقان علیقلی خان میرنجه را که بصداقت رشادت موصوف و معروف است با عالیجاه عسکرخان سپهر که نوکریت آزموده و دود فوج افشار که از افواج خوب آذربایجان هستند و هزار نفر سوار خسته برای اسطفا صفا خراسان مامور شدند اگر چه از بخت بلند پادشاهی صفحات هرات هم این اوقات از حسن ایستام اولیای دولت قاهره اشتغال نایره حرب وقتال با رحمت سوق

عسکر و جدال خالی از نظم نیست و عملی امانی اینجا از اینطور مراقبت و محافظت بکرو لیبای دولت جلوه در کار اینجا کردند از روی شوق و رغبت بر عیسی و جان نثاری در دولت بجله خود اقدام کرده اند بسیار کم دیده شده است که مملکتی که سالها اختیار دولت بیرون رفتن باشد باین سهولت باز بنشیند خود و طیب نفس باجماع عام در رضا و رغبت در مقام انقیاد و اطاعت آیند این نیست مگر از بخت شید پهلوان پادشاهی و نواب کافیه اولیای دولت قاهره که این کار باین سهولت بحد الله شیطام یافته است عالیجاه مقرب الخاقان امیر علیستغی خان وکیل ولایت طبس حسب الامر از حضرت پهلوان پادشاهی بحکومت طبس سرفراز گردیده و یک ثوب جبهه ترمه مخصوصی بهم برسم خلعت بافتار او رحمت و خنایت گردیده و این روزها بقر حکومت خود روانه می شود

این اوقات اولیای دولت قاهره حب الاشارة لطیفه
عالیجاه اسکذرخان زنده را که سالها باین دولت
قاهره خدمت کرده بود و بگومت مرند و اگر سرافراز
و فرمان مبارک در باب حکومت مشارالیه
صدور یافت

علیه الرحمه در رفت و آمد میباشند و قراول
و گزنده و غیره بکسی متعرض نمی شوند و مشغول حفظ و حراست
و انجام خدمت خود میباشند و در ذی و حجاب
بسیچو روی نمید

چنانچه در روزنامه معتد گذشته نوشته شده است
این ایام ایام مهمتبر که ماه صیام و اوقات طاعت
و عبادت اهل اسلام است علمای اعلام و فضلا و دانشمندان
و ذوی الاحترام در مساجد و منابر تبریح دین بسین
ترغیب عسوم سلین لطاعت و عبادت و حصول
و عاکونی بجهت از یاد رفاه و امنیت قیام و اقدام
و از اهتمام استای دولت علیه کمال انتظام و
انیت از هر جهت و هر حیثیت حاصل است قسطنطنیه

در شب جمعه بفتح انیاه خاطر مبارک حضرت اقدس
تالیون پادشاهی مایل گردید که بجهت ظهور و فورم اسم
ملوکانه در باره جناب جلالت آب صدر اعظم
بصیافت ایشان تشریف فرما شوند و جناب
معظم الیه را با فطراسر افزاز فرموده انواع
تکلفات و پیشش و پای انداز و حلویات و غیره
تقدیم شده و جناب معظم الیه مورد الطاف
و اشفاق خاطر حضرت اقدس تالیون پادشاهی
گردیدند

امور است قضونی

در ایام ماه مبارک رمضان اینقدر مساجد و معابد که
بجهت نماز جماعت و عبادت و موعظه حالادار است
از قرار روزنامه شهر که مینویسند در بعضی مکان
باسم و رسم پیشاز البتاده و نماز جماعت میشود
و اوقات عبادت سلین لطاعت و عبادت و ادعیه
و ادعیه و تلاوت کلام الهی میگذرد و عسوم
سکنه دار بخلاف طهران از صنایع و شریف
و اعالی و ادانی در نهایت اسودگی و رفاه و شکر کلام
میباشند و انواع ماکولات و میوجات کمال ذوق
و ارزانی را دارد و شبهارا تا وقت صبح چنانچه
مردم مساجد و حمامها و دید و باز دید بنجائهای یکدیگر
زیارت و تفریح و تماشای جناب ایامزاده زید

عالیجاه میرزا علی اکبر صاحب شرف خانی مبارک که در
بیت و پخیال در قورخانه آذربایجان و دار الخلافه
مشغول خدمت بود و از عهد خدمت خود بخوبی و
صداقت بر آمده مورد عنایت و رحمت پادشاهی
گردیده او را بمنصب سرمنکی قورخانه مبارک که سرافراز
فرموده و دولیت تومان بر مواجب سابق او افزوده
و باعطای خلعت افتاب طلعت مسیاهی و سرافراز
فرمودند

عالیجاه میرزا محمد علی که سالهای سال بود بصداقت
و راستی در فوج ادل خاصه بفعال سرشته داری
بود این اوقات سرکار اقدس تالیون پادشاهی
مشغول

سر رشته داری کل تو پخته مالک محروس
ایتر از العبد سسی و استام شار الیه محول
داشته و خلف مرحت نمودند

اردوی ابویحیی مقرتب انخاقان علیقلی خان
میرنخبه دو عراده توپ و توپچی و فورخانه که متره
بود به سراجی این اردو مانور و روانه فرمودند

عالیجاه امامقلی خان لقب بیوک خان برادر عالیجاه
عسکر خان سرتیب را که جوانیت قابل و شایسته
حضرت اقدس سبها یون شاهنشاهی اوران نصب
سردبکی فوج هفتم افشار مفتخر و سراجی
فرمودند و به سراجی فوج روانه خراسان
کردید

امروز که پنجم سیزدهم این ایست عشقون قلمرو
نیز اسان با اتفاق مقرتب انخاقان علیقلی خان
روانه اند جناب حالات آب صدر اعظم که
از شیران لشهری آسند از بیرون دروازه کراوه
و سواره روانه اند سجه ملاحظه آنها و اظهار التفات

فوج کلپایگانی و بزچشکو که هفت ماه بود
لمترم رکاب حضرت انتساب بودند و از قواعد شوق
و نظام سر رشته کامل حاصل ساخته بودند
و هفت که شده مریخص شدند که چندی
سخانهای خود رفت آسوده باشند

و سربانی و تشوین و امید داری آنها ایستند
که آنها را به لکرمی و امید داری روانه نمایند
سایر ولایات
کرمان از شترار یک در روزنامه کرمان نوشته
شده بود این اوقات نواب شاهزاده

فوج جدید خلجالی که مدت هفت ماه است که
رکاب مبارک استند و از قواعد و شوق نظامی
سر رشته کامل به سر ساند و بودند مقررت شده
مریخص شده چندی سخانهای خود رفت آسوده
باشند

که مویده الدوله طحاسب میرزا حکمران کرمان
بجهت قرار و حواله قسط مالیات ضابطه هر
بلوک را معین کرده و ستاده اند که امر قسط
معتدل نماید و تا خیر نیتند و از بلوک
از رویه از شترار یک در روزنامه نوشته بودند

درین روز حضرت اقدس سبها یون پادشاه
مخض مرحت در باره عالیجاه پاشا خان بکنگ کرده
سوار نظام جدید یکس اسب با و مرحت

خبر رسیده بود که حاصل آنجا را تحلی زنگار
ضایع کرده است سبب اینکه بلوک
از رویه کر سیر است و امسال در کر سیر است
آنجا باران زیاد داده است و سبب

اگر چه در خراسان بقدر کفاف بلکه زیاده از
کفایت تورخانه و توپ مست مجدد استجه شکوه

کثرت بارندگی که در آنجا شده است
حاصل آنجا را کار زده است

خراسان

از قرار یک در روزنامه خراسان نوشته شده بود
 در ماه شعبان بعد از آنکه خلعت عسکری نواب
 شاهزاده حسام السلطنه والی مملکت خراسان
 که بصحابت عالیجاه حاجی مبارک رحمت داری
 شده بود رسیده بود و نواب معزی البیه با
 کمال اعزاز و احترام تمام با استقبال خلعت فرشته
 در بیرون دروازه سر پرده زده بودند و بعد از
 مراجعت از استقبال در محان سر پرده نواب
 معزیه البیه و چند نفر از امرای خراسان و
 ارباب قلم آنجا خلعت پوشیده رسوم
 تهنیت و مبارکباد بجا آوردند بود

دارد و در باب ائمت انولایت واستر و اولوال
 مسرود بطوری رسیدگی مینمایند که بعد از ورود
 ایشان با نولایت ایلات و طرایفی که دعای
 چهار ساله و پنج ساله با یکدیگر داشتند از بیم
 بدون اطلاع کما شتکان و کسان نواب معزی
 با یکدیگر اجلاس نموده اموال مسرود و قرابص
 در مینمایند و موافق ائمت که در میان آنها
 مصباح و رضامندی طرفین میکنند که
 سبب از نواب معزیه البیه مطمح شده از آنها
 مؤاخذه نمایند

و هم چنین خانوار بیسای ایلات آنجا که از س
 سلوک حکام از منته سابق تفرق شده و
 جلای وطن نموده بجایای دیگر مکن حبسته بودند درین
 اوقات نوشته بودند که از حسن سلوک و رعیت
 داری و این داری نواب معزیه البیه مسکلی
 و طالب شده اند که با ما کن و او طان خودشان
 مراجعت نمایند از جمله درین زمان تسلیل بقدر
 چهار صد خانوار طایفه سرخ سبزی که درین
 رفته بخانقین عرب عجم کن شد بودند بطن اصیل خود
 مراجعت نموده اند و از طوالیف دیگر نیز در روزنامه
 که بقدر چهار صد خانوار با مجال رحمت کرده

در باب سبانی عمارات و باغات دیوانی آنجا چنانچه در
 گذشته نوشته شد نواب معزیه البیه استام نموده اند و سایر
 مردم نیز بدین سبب رغبت عمارت شده و با مجال
 بقدر دولت خانه جدید کسین برای حوزه ساخته

کراماتان

از قرار روزنامه کراماتان که مستانخ چام
 این ماه رسیده نوشته بودند که امورات شهر
 و بلوکات و ایلات آن صفحات از استام
 و رسیدگی نواب شاهزاده اما متسلی میرزا صاحب
 احتیبار کراماتان کمال انصباط و نظام را